

متفکران مسلمان و اندیشه‌ی سیاسی غرب



لیلا انصاری
کارشناس ارشد تاریخ

○ چالش مذهب و مدرنیسم (سیر
اندیشه‌ی سیاسی مذهبی در ایران
نیمه اول قرن بیستم)
○ مسعود کوهستانی نژاد
○ نشر نی
○ ۱۳۸۱، ۳۷۶، صفحه ۱۶۵۰ نسخه

حکومت اسلامی» ابتدا به شکل‌گیری اندیشه اتحاد اسلام یا پان‌اسلام اشاره می‌کند و هدف از طرح این شعار را مقابله با تهاجم مغرب‌زمین به سرزمین‌های مسلمان‌نشین و اعاده اقتدار گذشته‌ی مسلمانان دانسته است و در این میان به اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ‌الرئیس قاجار می‌پردازد. در ابتدا یا تکیه بر دو مقاله از سیدجمال‌الدین اسدآبادی با عنوان‌های «اتحاد اسلامی» و «اتحاد و حاکمیت» به اندیشه اتحاد اسلامی و مسئولیتی که متوجه علما و روحانیون است تاکید می‌کند و سپس به رساله «اتحاد اسلام» از شیخ‌الرئیس قاجار پرداخته می‌شود و به دنبال ردپای وجه عقیدتی «اتحاد اسلام» و وجه سیاسی این اتحاد در گفته‌های شیخ‌الرئیس است.

محور دیگر بحث کتاب انقلاب مشروطیت در ایران بوده که آن را مرحله‌ی جدیدی از سیر گسترش اندیشه اتحاد اسلام در ایران دانسته

سیاسی، ارزش اساسی دارد. کتاب چالش مذهب و مدرنیسم در همین راستا تألیف شده است. این کتاب به سیر اندیشه سیاسی مذهبی در ایران و تقابل این اندیشه‌ها با اندیشه‌های غربی پرداخته است. فرض نویسنده بر این بوده است که تهاجمات دول مغرب‌زمین به کشورهای مسلمان با واکنش مسلمانان مواجه شده است. اولین واکنش از طریق اتحاد مسلمانان با یکدیگر و بازگشت به دوره مجد و عظمت پیشین در صدر اسلام بوده که دو مشخصه اصلی داشته است: ۱ - نفی وجود اندیشه‌های سیاسی غرب ۲ - تاکید بر ارزش‌های اسلامی. پس از آن اندیشه ولایت فقیه در دوره مشروطه مطرح می‌شود و در دهه‌های بعد تداوم تقابل مذکور به پیدایش اندیشه حکومت اسلامی منجر می‌شود. نویسنده تلاش نموده است که سیر این تحولات را در دو فصل بیان نماید.

در فصل اول تحت عنوان «از اتحاد اسلام تا

اندیشه سیاسی یکی از فعال‌ترین حوزه‌های حیات فکری مسلمانان در دوران اخیر بوده است. در گذشته، مسلمانان به ندرت سیاست را از سایر علوم و معارف وابسته به آن جدا می‌کردند و مسائلی نظیر ماهیت حکومت انواع و اقسام حکومت و... بیشتر در مباحث فقهی و کلامی مورد بحث قرار می‌گرفت. ولی از اوایل قرن نوزدهم با توجه به رویارویی مسلمانان با ممالک مغرب‌زمین، اندیشه‌های سیاسی در قالب جدید ارائه گردید. روحانیون به عنوان یک طبقه‌ی اجتماعی به طور اجتناب‌ناپذیری در این رویارویی قرار گرفتند و واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند؛ عده‌ای مخالفت شدیدی با همه‌ی دستاوردهای فکری و فنی فرهنگ نشان دادند و عده‌ای دیگر آن را پذیرفتند. به هر حال هر دو دسته در واکنش به اندیشه‌های غربی به نگارش آثاری در مباحث سیاسی پرداختند. پژوهش در رساله‌ها و آثار باقی مانده از آنها در تاریخ اندیشه

است. در این ارتباط به اندیشه‌های دو روحانی که زمان مرحوم نائینی که در مقام دفاع از مشروطه برآمده بود و در مقابل او شیخ فضل‌الله نوری که فتوی به حرمت مشروطه داد، اشاره می‌کند. در ابتدا اندیشه‌های آیت‌الله نائینی مورد بررسی قرار می‌گیرد و تفاوت آن با مشروطه و نظام سیاسی غرب بیان می‌شود. به نظر مؤلف، نائینی اندیشه‌ی سیاسی اسلام را فقط به زبان روز خود بیان نموده و در اندیشه سیاسی با عالم مشروطه‌خواه یعنی شیخ فضل‌الله تفاوتی ندارد. به قول نویسنده «همان عبارات و مطالب بیان شده از سوی نائینی را با اندکی تفاوت (در نحوه عبارت‌پردازی) در بیان علمای مخالف نیز می‌توان یافت» (ص ۳۳) و معتقد است که منازعات علما نه در اندیشه سیاسی بلکه در رفتار سیاسی آنان بوده است و هدف و غایت هر دو دسته از روحانیون را بازگشت به اصالت اسلامی دانسته است.

تا اینجا نویسنده به وجه فکری اتحاد اسلام در ایران پرداخته است، چرا که اولین رویارویی ایران با غرب را در اندیشه دانسته است، به دنبال این بحث به دوره‌ی تفوق وجه سیاسی اتحاد اسلام می‌پردازد. معتقد است که نخستین بار هنگام تجزیه‌ی ایران به مناطق نفوذ در قرارداد ۱۹۰۷ این وجه سیاسی غالب گشت. در این رابطه اشاره‌ی مختصری به اقدامات سیاسی و فعالیت‌های فرهنگی و هنری در مناطق مسلمان‌نشین علیه تهاجم دول اروپایی به ایران می‌کند و در پی آن شرکت علما و مجتهدین عتبات در نهضت سیاسی اتحاد اسلام علیه مداخلات نیروهای خارجی در ایران را یادآور می‌شود. در عین حال معتقد است که اساساً وجه سیاسی اندیشه اتحاد اسلام در ایران که چندان ریشه و مبنایی نداشت از سال ۱۳۳۷ قمری (۱۲۹۸ شمسی و ۱۹۱۹ میلادی) به بعد مطرح شد. به اعتقاد نویسنده وجه سیاسی اندیشه اتحاد اسلام در ایران نابود شد ولی وجه عقیدتی این اندیشه ادامه یافت و در ادامه بحث، چگونگی تطور و تکامل آن را در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در فصل دوم کتاب با عنوان «طرح قرائت نوین از مبانی سیاسی اسلام» بحث خود را در مورد تحول در نگرش حکومت و روحانیت آغاز می‌کند و آن را نتیجه‌ی استقرار مشروطیت و تحکیم رژیم مشروطه در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری می‌داند. نویسنده این تحول را نخست در قالب انتشار مقالاتی در جراید می‌داند و برای نمونه به مقاله‌ی «ادافسدالعالم فسدالعالم» در جریده‌ی حبل‌المتین اشاره می‌کند که معتقد به

تفکیک امور دینی و دنیوی و تفکیک قوه اجراییه از قوه روحانیه است. در ادامه بحث، به بررسی چهار نوشته تحت عنوان رساله «مسلك الامام فی سلامة الاسلام»، رساله «توضیح مرام»، کتاب دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه و رساله‌ی «نجات ایران» می‌پردازد که حاوی نکات جدیدی در بحث حکومت و طرز حکومت شیعه است.

پس از رساله «توضیح مرام» کتاب دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه از شیخ اسدالله مامقانی در رد اندیشه‌ی حکومت فقها و اثبات شورایی بودن حکومت بررسی می‌شود، در این مورد نویسنده اظهار می‌دارد که این کتاب پس از شکست قطعی اندیشه اتحاد اسلام در خاورمیانه و شکل‌گیری اندیشه پان‌ترکیسم در عثمانی شکل گرفت و ادامه‌ی فرآیند مخالفت با روحانیت پس از تثبیت مشروطه بوده است.

مبحث بعدی با عنوان «استقرار دولت مقتدر و تلاش علما» به پشتیبانی اندیشمندان، متفکران و روحانیون از استقرار دولت قدرتمند اشاره می‌کند و این امر را عمدتاً به دلیل فعالیت گروه‌های مارکسیستی در ایران و استقرار دائم رژیم مارکسیستی در شوروی می‌داند. ولی پس از استقرار دولت رضاه شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴) اصولی که حمایت روحانیون منوط به آن بود یعنی اجرای

دقیق مفاد قانون اساسی و متمم آن و مخصوصاً ماده دوم متمم مبنی بر نظارت گروهی از مجتهدین بر مجلس شورای ملی، نه تنها عملی نشد بلکه تهاجمات سنگینی به حوزه دین و علما وارد شد و در این زمان روحانیت از حکومت و مشروطه‌ای که حکومت داعیه پیاده کردن آن را داشت، منزجر شد.

بحث پایانی فصل دوم با عنوان پیدایش اندیشه حکومت اسلامی با بیان مختصری از شرایط دوران پس از فروپاشی دولت رضاشاه و جانشینی محمدرضا پهلوی و اشغال ایران توسط ارتش سرخ شوروی در شمال و نیروهای انگلیسی و آمریکا در جنوب و باز شدن فضای سیاسی کشور ادامه می‌یابد. در پی باز شدن فضای سیاسی بسیاری از گروه‌ها از جمله حزب توده به سرعت نفوذ پیدا کرده و به تبلیغ مرام مارکسیستی پرداختند و در چنین فضایی در سال ۱۳۲۲ رساله‌ای تحت عنوان «اسرار هزارساله» نوشته حکمی‌زاده در حمله به روحانیت و عقاید شیعه منتشر شد. نویسنده سپس به بررسی چهار رساله مهم در زمینه اندیشه حکومت اسلامی که در جواب رساله‌ی حکمی‌زاده در این سال منتشر شد، می‌پردازد و اندیشه‌های سیاسی را در هر کدام از این رسالات جست‌وجو می‌کند.

۱ - رساله «درد ایرانیان دوا نمی‌شود مگر با انقلاب فکری» از کمالی سبزواری.

در پی باز شدن فضای سیاسی بسیاری از گروه‌ها

از جمله حزب توده به سرعت نفوذ پیدا کرده

و به تبلیغ مرام مارکسیستی پرداختند

و در چنین فضایی در سال ۱۳۲۲ رساله‌ای تحت عنوان «اسرار هزارساله»

نوشته حکمی‌زاده در حمله به روحانیت و عقاید شیعه منتشر شد

ایجاد حکومتی بر مبنای اصول مذهب و شریعت

محصول روی گردانی مسلمانان اصیل از حکومت مشروطه بوده است

رساله «نجات ایران» نوشته «مترجم نظام» در واکنش به طرح مباحث اقتصادی از سوی گروه‌های چپ‌گرا، به مسائل اقتصادی و تلاش برای قانونمند کردن آنها می‌پردازد

به نظر مؤلف،

نائینی اندیشه‌ی سیاسی اسلام را فقط به زبان روز بیان کرده و در اندیشه سیاسی

با عالم مشروعه خواه یعنی شیخ فضل الله تفاوتی ندارد

ارائه می‌شود. نتیجه عملی بحث فوق این است که چون زمان حاضر، عصر غیبت کبری تلقی شده، پس اساساً حکومت جور وجود ندارد و هنگامی که حکومت‌های موجود بدین ترتیب غیرجور تلقی شوند، پس حق حاکمیت خواهند یافت. اگر این یافته را در کنار سایر موضوعات مطرح شده در رساله‌ی مذکور قرار دهیم، حقیقتی ناگفته نمودار می‌شود و آن جدایی سیاست از دین است.

رساله «توضیح مرام» نوشته‌ی شیخ رضا دهخوارگانی در ارتباط با بررسی موضوع اکثریت آراء است. آنچه در دیدگاه دهخوارگانی ارزش راستین می‌یابد، حق رای ملت و متعاقب آن مناط اکثریت آراء است. در این دیدگاه، آزادی مردم شرط است و سخنی از «وصیت نبی و حکم آسمانی» در زمان غیبت کبری، و مآلاً حکومت فقها و مجتهدین نیست. این نظر آشکارا با آنچه در صدر مشروطه به نام نیابت امام زمان (ع) و جایگاه مجتهدین و فقها نامیده می‌شود، در تعارض قرار داشت. ولی این تعارض را شاید بتوان به نوعی انعکاس از وضعیت موجود ایران در سال ۱۳۳۰ قمری تلقی کرد.

کتاب دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه اثر شیخ اسدالله مامقانی یکی از فعالین مهم انقلاب مشروطه است. اهمیت کتاب مورد بحث، در توجه اساسی به موضوع حکومت در شیعه است. مامقانی بحث خود را در باب حکومت از انسان آغاز می‌کند. از نظر وی، احتیاج بشر به یکدیگر، اساس تشکیل اجتماع و حکومت است. گسترش احتیاجات بشر مآلاً فزونی قوانین را به

طرفداران آنها به مجلس و مشروطیت و بمباران مجلس و سخت‌ان روحانیون، خشم شدید مشروطه‌طلبان را نسبت به روحانیون به همراه داشت. در حیطه‌ی اندیشه نیز تحول مهمی در نگرش پیرامون حکومت و جایگاه روحانیت در بین پاره‌ای از متفکرین به وجود آمد. این تحول نخست در قالب انتشار مقالاتی در جراید آشکار شد. از جمله مقاله‌ای با نام «اذا فسد العالم فسدالعالم» در جریده‌ی حبل‌المتین تهران بود. چاپ و انتشار مقاله‌ی فوق در تهران اعتراضات شدید روحانیون را برانگیخت و مدیر جریده حبل‌المتین محکوم به زندان شد. حدود دو ماه بعد محمدعلی تهرانی در مقاله‌ای با عنوان «تجدید عالم اسلام» قانون اسلام را در جهت رها شدن از قید بندگی سلاطین و آزادی انسان‌ها می‌داند و دعوت پیامبر را به چنین قانونی تلقی می‌کند و از مزایای این قانون سخن می‌گوید. تفکیک «امورات دنیوی» از «امورات دینی» تفکیک «قوه اجرائیه» از «قوه روحانیه» و انتخابی بودن رئیس قوه اجرائیه نکات بدیعی است که به زعم محمدعلی تهرانی بر مبنای قانون الهی توجیه‌پذیر است.

«مسلك الامام فی سلامة الاسلام» نیز رساله‌ی دیگری از این نوع است که به عقیده‌ی نویسندگی آن، علم فقه به تنهایی نمی‌تواند راهگشای هدایت جامعه مسلمین باشد و حاکم مسلمان در کنار فقه می‌باید به علوم دیگر روز مسلط بوده و علاوه بر آن از نظر اجتماعی همگام و همراه مردم باشد. در خلال رساله علاوه بر موضوعات فوق، تعریف جدیدی از حکومت جور

۲ - رساله «توحید کلمه وحدت ملی» از حجة‌الاسلام خالصی‌زاده.
۳ - رساله «اسلام و مفهوم حقیقی حکومت ملی» از حجة‌الاسلام خالصی‌زاده.
۴ - کتاب «کشف الاسرار» حاج آقا روح‌الله الموسوی الخمینی (ره).

به اعتقاد نویسندگی این رسالات فراتر از پاسخ‌گویی به رساله اسرار هزار ساله بوده است و در واقع آنچه آنها مطرح کردند بیانگر اصول حکومت اسلامی و اندیشه سیاسی فقها در چارچوب حکومت بوده است.

نویسندگی در خاتمه نیز نتیجه‌گیری می‌کند که ایجاد حکومتی بر مبنای اصول مذهب و شریعت محصول روی‌گردانی مسلمانان اصیل از حکومت مشروطه بوده است. به نظر وی وجه عقیدتی اندیشه اتحاد اسلام در درون مرزهای ایران به اندیشه حکومت اسلامی مبدل شد و ریشه آن در مباحثی است که علما و مجتهدین در زمان مشروطه مطرح کردند. در دوران مشروطه بدیلی برای حکومت حاکم ارائه نشد ولی رسالات نوشته شده در سال‌های ۲۳-۱۳۲۲ حکومت اسلامی را معرفی کردند: به عبارتی روشن‌تر در همان سال‌ها اندیشه‌ی حکومت اسلامی و ولایت فقیه تکوین یافت.

نویسندگی در دوره‌ی بعدی یعنی پس از سال ۱۳۲۳ را دوره‌ی رکود در اندیشه سیاسی دانسته است و دلایل آن را هم بدین صورت مطرح می‌کند: ۱ - خطری که از ناحیه رژیم مشروطه برای روحانیون و دینداران وجود داشت ۲ - گسترش اندیشه و مرام مارکسیستی در ایران ۳ - خطری که از موضع افرادی نظیر حکمی‌زاده و کسروی در انتقاد از مبنای شیعه و حمله به روحانیت به وجود آمده بود. این وضعیت موجب شد که روحانیون از بحث‌های پیرامون حکومت اسلامی صرف‌نظر کنند و به فعالیت در عرصه امور سیاسی کشور بپردازند. به نظر مؤلف علیرغم عدم پیگیری بحث حکومت اسلامی، مشخصات اساسی حکومت اسلامی در رساله‌های مورد بحث کفایت کرد زیرا که جایگاه ولایت فقیه و جایگاه مجلس شورا در حکومت اسلامی تعیین گردید و انواع قانون و قانونگذاری و رابطه‌ی مردم با حکومت و حاکم اسلامی مشخص شد و در یک کلام چارچوب اندیشه‌ی حکومت اسلامی (ولایت فقیه) تبیین شد.

طرح قرأت نوین از مبانی سیاسی اسلام
انقلاب مشروطه در ایران، تبلور وجه عقیدتی
اندیشه‌ی اتحاد اسلام است. حمله‌ی مستبدین و

همراه داشته و کثرت قوانین سبب به وجود آمدن تشکیلات خاصی برای اجرای آن‌ها شد. در همین راستا تشکیلات، وزارتخانه‌ها، دولت، حکومت و سلطنت به وجود می‌آید. آنچه از تعاریف دولت از نظر او آمده، اصالت حکومت و دولت (فارغ از انواع آن) است. منشأ اصالت مزبور از احتیاج بشر است. حکمرانی و حکومت به طور عادی وجود دارد ولی آنگاه که این حکومت همراه با منطق و دلیل مثبت باشد، حاکمیت حقانیت می‌یابد. سپس هیچ جامعه‌ای بدون حکومت نمی‌شود ولی هر حکومتی واجد دلایل و حقانیت و مآلاً حاکمیت نخواهد بود و در این میان دو خصلت «هیئت اجتماعی» و «پشتوانه‌ی الهی» را موجب حقانیت یک حکومت می‌داند. آنچه در این کتاب اهمیت دارد و سلطنت و حکومت آسمانی است و برپایه‌ی چند اصل قرار دارد:

۱. اصالت حکومت، در حدی که جایگاه آن با نبوت و امامت در اسلام مقایسه می‌شود.
۲. عدم ارتباط سلطان با سلطنت بدین لحاظ جائز بودن سلطان ربطی به احکام سلطنت نخواهد داشت.
۳. جائز بودن سلطان مفهوم عام پیدا کرده و شامل سلاطینی است که فاقد مشروعیت انتخاب الهی و یا انتخاب مردمی باشند.
۴. «حاکمیت الهی» و «حاکمیت مردم یا بشری» هر دو تأیید می‌شوند. یکی در زمان پیامبر(ص) و ائمه(ع) و دیگری در زمان غیبت کبری امام زمان (عج).

پس از طرح مباحث فوق، مامقانی به سرآغاز بحث اصلی کتاب، یعنی نقد و بررسی نظریه حکومت و ولایت فقیها، می‌رود. او در رد اندیشه حکومت فقیها نخست به بررسی دو حدیث «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا» و مقبوله عمروبن حنظله می‌پردازد. اجتهاد و تقلید را نقد و کلیت آن را رد کرده است و تا آنجا برای او این مسئله اهمیت دارد که حتی یکی از اساسی‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه و چارچوب کلی نظام مشروطه ایران یعنی اصل دوم متمم قانون اساسی در مورد نظارت فقیها و مجتهدین بر مصوبات مجلس شورای ملی را نیز رد می‌کند در آن سال‌ها شکست قطعی اندیشه‌ی اتحاد اسلام در خاورمیانه و نیز شکل‌گیری اندیشه پان‌ترکیسم در عثمانی فضایی را ایجاد کرده بود که تألیف کتاب مذکور نیز با تأثیرپذیری از این فضا صورت گرفته بود.

سه سال پس از انتشار کتاب دین و شئون حکومت در مذهب شیعه، رساله‌ی «نجات ایران و مرامنامه جامعه‌الاسلام ایران» نوشته مترجم

نظام نگارش یافت. مترجم نظام بین اسلام و شعائر اسلام با آزادی به مفهوم غربی آن تعارض آشکاری را می‌بیند. محور اصلی ترویج شعائر اسلامی از نظر او، برپا داشتن نمازهای جمعه و جماعات در تمامی سطوح و در کل کشور است. دومین اصل مهمی که مترجم نظام در رابطه با ایده‌ی خود ارائه می‌کند، موضوع تهذیب اخلاق است. مترجم نظام «استحکام قوای عسکری» و «اتحاد با عثمانی، افغانستان و مراودات با دولتین چین و ژاپن» را نیز از جمله اصول مورد نظر خود بیان می‌کند. وی همچنین تقلید از فرنگی را نیز یکی از عوامل اساسی سست شدن مردم ایران تلقی می‌کند. وی در باب انتخاب حاکم، ملاک را اکثریت آرا دانسته و نظارت مردم و وجوه قوم بر رفتار حاکم و اساساً آنچه که «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود در نظر مترجم نظام از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از اصول «مرامنامه جامعه‌الاسلام ایران» به بیان «مساوات تام افراد مسلمین» پرداخته است.

یکی از ویژگی‌های این رساله توجه به مسائل اقتصادی و تلاش برای قانونمند نمودن این فعالیت‌هاست شاید بتوان اختصاص بخش قابل توجهی از این رسائل به مسائل اقتصادی را واکنش در مقابل طرح اساسی مباحث اقتصادی

از سوی گروه‌های چپ‌گرا در ایران تلقی کرد. آخرین بخش از مرامنامه‌ی مورد بحث در سال ۱۲۹۹ شمسی در جریده‌ی تهذیب چاپ شد. پس از کودتای رضاخان و حمایت مستقیم نیروهای انگلیسی مستقر در ایران اندیشه‌ی لزوم استقرار دولت قدرتمند در ایران غالب شد و در چنین بستری بود که بسیاری از اندیشمندان و متفکران و گروه‌های سیاسی و اجتماعی از استقرار دولت مقتدر در ایران پشتیبانی کردند از آن جمله روحانیون و علما بودند که مخصوصاً با توجه به فعالیت‌های گروه‌های مارکسیستی در ایران و استقرار رژیم مارکسیستی در شوروی حمایت خود را متوجه دولت ایران کردند. طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۳ این حمایت اوج گرفت. البته این حمایت منوط به اجرای دقیق مفاد قانون و متمم قانون اساسی و مخصوصاً ماده‌ی دوم متمم مبنی بر نظارت گروهی از مجتهدین بر مجلس شورای ملی بود. هرچند که علیرغم تمامی این تلاش‌ها، نه تنها هیچ‌گاه اصل دوم متمم قانون اساسی اجرا نشد، بلکه به تدریج با استقرار قدرت تامه‌ی رضاشاه، تهاجمات سنگین و اساسی به حوزه‌ی دین و علما وارد شد. از یک سوی اقدامات زیربنایی همچون تغییرات در دادگستری و قوه‌ی قضائیه و الزام روحانیون به

نویسنده معتقد است که علت منازعات علما نه در اندیشه سیاسی،

بلکه در رفتار سیاسی آنان بوده است

و هدف و غایت هر دو دسته از روحانیون را بازگشت به

اصالت اسلامی دانسته است

پشتیبانی اندیشمندان و روحانیون از استقرار دولت قدرتمند

در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ عمدتاً به دلیل فعالیت گروه‌های مارکسیستی

در ایران

و استقرار دائم رژیم مارکسیستی در شوروی بوده است

نویسنده سیدجمال را مخالف مدرنیسم می‌داند،
 حال آن که سیدجمال را باید از جمله روشنفکرانی دانست که
 نه تنها با جلوه‌های مدرنیسم مخالف نبوده،
 بلکه به نوعی نیز دست به اقتباس زده است
 و فقط در مورد تسلیم بی قید و شرط به غرب مخالف است که
 آن هم مخالفتی به حق بود

نویسنده تمایز آشکاری بین رفتار و عملکرد سیاسی از یک طرف و اندیشه سیاسی از طرف دیگر قائل نشده است

تبعیت از نظارت دولت انجام گرفت و از سوی دیگر در بخش فرهنگ و معارف نیز از طرف دولت در سطح مناطق مسلمان نشین فعالیت‌هایی صورت گرفت. فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز در خصوص توجه به تهاجم دول اروپایی به ایران در میان متفکرین و مطبوعات اسلامی منتشره در مناطق مزبور انجام شد. از جمله می‌توان به اشعار، برگزاری میتینگ، تظاهرات (از جمله تظاهرات ۱۳ ذی‌قعدة در تهران علیه اقدامات انگلیس و روس) و رساله‌ها اشاره کرد.

نقد کتاب

۱- آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد تعریف نکردن مفاهیم است در صورتی که در هر تجزیه و تحلیل علمی ابتدا باید به تعریف کلیدواژه‌های مفهومی پرداخت و در این کتاب هم دو مفهوم مدرنیسم و مذهب به عنوان واژه‌های کلیدی تعریف نشده‌اند. در واقع نویسنده خواننده را در یک سردرگمی رها نموده است.

۲- رساله‌های مندرج در کتاب که در مورد اندیشه اتحاد اسلام و حکومت اسلامی است از رساله‌های مهم است و از آنجا که امکان دسترسی به آنها محدود می‌باشد و حتی بسیاری از افراد از وجود آنها آگاهی ندارند، ارزشمند تلقی می‌شود، ولی نکته در اینجاست که نویسنده چندان به

روحانی یعنی آیت‌الله نائینی در دفاع از مشروطیت و شیخ فضل‌الله نوری در حرمت مشروطیت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که این دو، اندیشه‌ی سیاسی یکسانی داشته‌اند. ایراد هم در همین جا وارد است که اگرچه این هر دو معتقد بودند که در مبنای نظری شیعه، حکومت حق امام معصوم است و در زمان غیبت معصوم، همه‌ی حکومت‌ها غاصب‌اند ولی در اینکه کدام یک از این حکومت‌های غاصب (سلطنتی، مشروطه) اولویت دارند، نظرات متفاوتی داشتند. در اندیشه مشروعه‌خواهان که نماینده این طرز فکر را می‌توان مرحوم نوری دانست، ولایت در عصر غیبت به ولایت سیاسی و دینی منقسم می‌شود و شاه دارای ولایت سیاسی است و علاوه بر پاسداری از شریعت اسلامی به دفاع از حکومت شرعی خویش می‌پردازد. در واقع مرحوم نوری را باید نماینده یک طرز تلقی دانست که مخالف با قانونگذاری، برابری و عدالت بر مبنای مفاهیم مدرن بوده است. تأکید نویسنده کتاب مبنی بر این که علت منازعات علما در رفتار سیاسی آنان بوده است چندان صائب به نظر نمی‌رسد. البته این مسئله هم دخیل بوده است ولی علت اصلی را باید در اندیشه سیاسی دو طیف از روحانیون جست‌وجو کرد.

در مقابل، گروه مشروطه‌طلبان که چهره‌ی شاخص آن مرحوم نائینی بود، مشروطه را علیرغم تضاد آن با حکومت معصوم، به دلیل مهار نمودن ظلم و اجرای نسبی عدالت، از حکومت استبدادی مطلقه به حکومت شیعی نزدیک‌تر دانسته و بر همین مبنای حمایت از مشروطه پرداخت و در راستای همین وظیفه‌ی شرعی نیز به تبیین مذهبی نظام مشروطیت و ارائه‌ی دلایلی برای مشروعیت بخشیدن به آن مبادرت کرد. نویسنده بیان می‌کند که «نائینی تلاش می‌کرد اندیشه‌ی سیاسی اسلام را به زبان روز خود بیان کند» این سخن چندان صحیح نیست، بلکه در واقع عکس این جریان رخ داد. نائینی و عده‌ای از روحانیون همفکر ایشان نسبت به جریان اصلاحات مدرن واکنش نشان دادند و در واقع گفتمان مدرن در نزد آنان مقبولیت پیدا کرد و تلاش در اسلامیزه کردن مفاهیم غربی نمودند و به عبارتی واضح‌تر مفاهیم مدرن را به زبان سنتی بیان کردند.

نکته آخر اینکه نویسنده تمایز آشکاری بین رفتار و عملکرد سیاسی از یک طرف و اندیشه سیاسی از طرف دیگر قائل نشده است.

بسط و شرح این رساله‌ها نبرداخته است. بهتر بود که توضیحات بیشتری در هر مورد آورده می‌شد و همچنین شرایط و بستر تحولات فکری نیز به گونه‌ای مفصل‌تر بررسی می‌گردید.

۳- از لحاظ محتوایی کتاب مخصوصاً در بخش نخست چند مطلب قابل تأمل دارد. اول اینکه نویسنده برای اثبات فرضیه خود که رویارویی عالمان و روحانیون در برابر مغرب زمین و به عبارت دیگر چالش میان مذهب و مدرنیسم است ابتدا به اندیشه اتحاد اسلام و سپس به اثبات اندیشه ولایت فقیه که در نهایت منجر به پیدایش اندیشه حکومت اسلامی است، می‌پردازد. البته پردازشی یک‌بعدی که در آن بسیاری از قضایا را از دید مخفی داشته است و یا اصولاً مهم ندانسته است. مثلاً در بخش اول اندیشه اتحاد اسلام سیدجمال را مخالف با مدرنیسم دانسته است. در این مورد، قسمتی از اندیشه سیدجمال و آن هم بخشی که به غرب می‌تازد، مورد استفاده بوده است. در صورتی که سیدجمال را باید از جمله روشنفکرانی دانست که نه تنها با جلوه‌های مدرنیسم مخالف نبوده بلکه به نوعی نیز دست به اقتباس زده است و فقط در مورد تسلیم شدن بدون قید و شرط به غرب مخالف است که آن هم مخالفتی به حق بود.

در بخش دیگر کتاب در مورد انقلاب مشروطیت، نویسنده به اندیشه‌های دو عالم